

# نقش پلیس محله محور در پیشگیری از جرم

(تاریخ دریافت ۱۳۹۶/۱۲/۲۲ ، تاریخ تصویب ۱۳۹۷/۰۴/۰۸)

## مختار دهقان

### چکیده

مشارکت شهروندان در تامین امنیت محله ها و پیشگیری از جرم علاوه بر کاهش هزینه های دولت، سبب تعامل بیشترش شهروندان با پلیس محله محور خواهد بود. موضوعات حیاتی پیش روی پلیس همراه با ضرورت تحول در اصول کلی و شیوه خدمت (پلیس محله محور)، تحول در ابزار و وسائل انجام وظیفه (فناوری) و تغییر در انتظارات جامعه از عملکرد پلیس (ضرورت حرفه ای شدن و پاسخگو بودن)، معیارهای جدیدی را برای تحلیل، برنامه ریزی و تصمیم سازی پلیس دیکته می کند. همراه با تغییرات جوامع، سازمان های متولی نظم و امنیت نیز در طی قرون و از زمان تکوین اولیه این سازمان ها، در فلسفه، هدف، راهبرد، تاکتیک و ساختار دچار تحول و تغییرات اساسی شده اند. این مسئله در نیروی پلیس به جهت داشتن بیشترین تعامل با مردم و سایر نهادهای اجتماعی از اهمیت بیشتری برخوردار است.. در مقاله حاضر در صدد آن هستیم که با روش توصیفی- تحلیلی به بررسی نقش پلیس محله محور در پیشگیری از جرم بپردازیم.



## بخش اول: کلیات

ایجاد و حفظ نظم در امور، لازمه زندگی اجتماعی انسان‌هاست. انضباط، روح، پایه و اساس فرمانبرداری، کار بهینه، توانایی رفتار و نشانه آشکار از احترامی است که طبق توافق‌های پایدار بین سازمان و کارکنان رعایت می‌شود. ایجاد نظم و انضباط در همه سازمان‌ها برای نزدیک شدن به اهداف خود جزء دغدغه مدیران و مسئولان آن سازمان است. این امر در نیروهای مسلح هر کشور، به دلیل مأموریت‌های خطیر و حساس برای ایجاد و حفظ امنیت، بیشتر مورد توجه فرماندهان و مدیران عالی قرار می‌گیرد. به این علت که عمده مأموریت‌های نیروهای انتظامی در جهت ایجاد و حفظ امنیت، در معرض دید مردم قرار می‌گیرند و وجود انضباط و اخلاق را محسوس‌تر می‌نماید.

نظم و انضباط در هر جامعه و سازمانی لازمه و شرط اولیه توسعه و ابزار اصلی برای بهره‌وری است که نهایتاً منجر به رشد و تعالی معنویات در هر جامعه و سازمانی می‌گردد. رسیدن به اهداف سازمانی در گروهی توانایی نیروی انسانی در انجام امور محوله است. بنابراین بهبود عملکرد و بهبود نیروی انسانی نیاز انکار ناپذیری برای سازمانها است و مدیریت عملکرد، ابزاری برای دستیابی به این هدف است.

سازمان پلیس به عنوان یکی از سازمان‌های خدماتی مهم در راستای حفظ نظم و امنیت و پیشگیری از وقوع جرائم در جامعه در گذر از دوره‌های مختلف پلیسی، همانند سایر سازمان‌ها از دهه هشتاد میلادی در یک نگرش از پلیس سخت‌افزاری به پلیس نرم‌افزاری، رویکرد جدیدی را در تامین امنیت و تحقق مأموریت‌های پیشگیری از وقوع جرم و مقابله با آن اتخاذ کرده است. مراقبت محله اغلب به عنوان بخشی از یک بسته جامع و گاهی اوقات به عنوان سه برنامه بزرگ شامل مراقبت همسایگی، نشاندار نمودن اموال و بررسی‌های امنیتی خانگی اجرا می‌شود. برخی برنامه‌ها شامل عناصر متفاوت مانند اقدام به استخدام برای پاسبان ویژه (پذیرش افسران پلیس)، افزایش گشت پیاده به طور منظم، گشت شهروند، برنامه‌های آموزشی برای جوانان، واحدهای پلیس کمکی و خدمات پشتیبانی از قربانی جرم است. بنابراین، این مفهوم عبارت است از اینکه پلیس برای اداره امور پلیسی برای مدیریت جامعه، از سرمایه‌های



اجتماعی و سایر منابع در ابعاد مختلف، که مشارکت و نظارت مردم در امور پلیسی از بارزترین و شاخص ترین نمادهای آن به حساب می آید بهره گیرد و به جلب مشارکت افراد محله در تامین امنیت، توجه ویژه داشته باشد.

بنابراین در سالهای اخیر، پلیس برای کارآیی، اثر بخشی و بهره وری خود در جامعه و توسعه آن در عرصه های مختلف، گام های موثری را برداشته و طرح امنیت محله محور را در جهت کنترل و پیشگیری از جرائم با استفاده از ظرفیت های محلات دنبال کرده است. برنامه های مراقبت محله با توجه به چالش ها و ظرفیت های فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی ممکن است در جوامع مختلف و حتی محلات مختلف در یک جامعه متفاوت باشد، چرا که این برنامه ها متناسب با ظرفیت های موجود در محلات و حمایت و هدایت پلیس امکان پذیر می باشد و در صورت اجرای موفقیت آمیز این طرح در ایران بدون شک می توان شاهد موفقیت راهبردهای پیشگیرانه در مهار جرم و نتایج موثر تحت مشارکت محلات در کاهش جرائم شد.

### **بند اول: مفهوم پلیس محله محور**

از اولین روزهای ظهور پلیس محله محور تا کنون این مفهوم در قالب دو عنصر اصلی یعنی مشارکت مردمی و حل مشکل تعریف شده است. اصول کلی و راهبردی پلیس محله محور به هیچ وجه معتقد نیست که افراد پلیس باید به مددکاران اجتماعی تبدیل شوند، بلکه برعکس معتقد است آنانی که قوانین کیفری را نقض می کنند باید به مجازات برسند. تعریف پلیس محله محور همان چیزی است که مردم و پلیس یک منطقه خاص به دنبال آن هستند. پلیس محله محور جوهره امور پلیس است. پلیس محله محور مفهومی است که از بسیاری جنبه ها نیاز به تعریف دارد، اما گسترده ترین دامنه، جوهره و عصاره امور پلیس را شامل می شود و آن عبارت است از نوعی ارتباط بین عموم مردم و سازمان پلیس به عنوان نمایندگان مردم که موجب ارتقاء جامعه می شود. (میس و اورتمایر، ۱۳۸۵، ص ۴۰۷) پلیس محله محور چیزی به مراتب فراتر از چینش پلیس در خیابانها، اعزام گشت پیاده یا گشت با دو چرخه است. پلیس محله محور یک مکتب جامعه فکری، روش مدیریتی و راهبرد سازمانی است که همه عوامل پلیس را در بر می گیرد و شیوه های مؤثر حل مشکل و مشارکت پلیس و جامعه را ارتقاء



می‌بخشد. پلیس جامعه محور، شیوه‌های جدید به کارگیری پلیس، تجدید حیات جامعه، حل مشکل، گرایش خدمتگزاری به مردم و کسب مشروعیت پلیس از طریق جلب اعتماد عمومی را داراست. رویکرد پلیس محله محور یک فلسفه است. این رویکرد مشارکت ضابطین قانون و جامعه را در شناسایی مشکلات و ریشه‌یابی آنان و پیدا کردن راه‌حلی که مشکل را به طور دائم از بین برده و یا کاهش می‌دهد، برمی‌انگیزد. (ترویانوویچ، ۱۳۸۳، ص ۳) فریدمن (۱۹۹۰) از جمله کسانی است که تعریف به نسبت جامعی را از پلیس محله محور ارائه داده است. او پلیس محله محور را چنین تعریف کرده است: «راهبرد و خط مشی با اهداف دستیابی به کنترل مؤثر کارآمد جرایم، کاهش ترس از جنایت (جرم)، توسعه کیفیت زندگی، گسترش خدمات پلیس و مشروعیت کار پلیس از طریق تکیه به نام محله و جامعه که در صدد تغییر شرایط جرم‌خیز هستند. این امر مستلزم مسئولیت‌پذیری بیشتر پلیس، سهیم شدن، فعال‌تر و بیشتر جامعه در فرایند تصمیم‌گیری و توجه بیشتر به حقوق و آزادی‌های مردم است.» (قهرمانی و ابطحی، ۱۳۸۹، ۵۸)

در راستای تعاریف فوق در مورد نگهبانان محله که به نوعی آنها نیز پلیس محله به شمار می‌آیند می‌توان گفت که: نگهبانان محله به افرادی اطلاق می‌شود که برابر مقررات و ضوابط تعیین شده ای پذیرش و پس از طی دوره‌های آموزشی، بر اساس قراردادی که با شرکت‌های خدماتی حفاظتی، مراقبتی منعقد می‌شود از اماکن و اموال کارفرما در زمان معین و در مکان مشخص مراقبت و در قبال انجام این فعالیت، برابر قانون کار، حق الزحمه دریافت می‌کند و از کلیه حقوق کارگری برخوردار می‌باشد. (علیزاده، قلعه کار، ۱۳۹۳، ص ۵۴)

### **بند دوم: نقش مشارکت بین پلیس و محله**

ایجاد مشارکت بین پلیس و محله در رویکرد پلیس محله محور عبارت است از ایجاد ارتباط همکاری با افراد و سازمان‌های مردم‌نهاد. در واقع رویکرد پلیس محله محور چهار نوع ارتباط را شامل می‌شود که برای رسیدن به هدف همکاری به معنی تعیین و تکمیل کار ضروری به نظر می‌رسند. ارتباط ساده می‌تواند شامل مبادله اطلاعات ساده میان افراد و گروه‌های محل، مبادله افکار، نظریه‌ها و احساسات باشد و نتیجه آن درک بهتر از دیدگاه‌های مختلف است.



همکاری نوع دیگری از ارتباط را هم شامل می شود که عبارت است از ارتباط غیر رسمی که هیچ ساختار مشترک و تلاشی برای برنامه ریزی در این نوع ارتباط وجود ندارد و منابع از یکدیگر جدا می مانند. همکاری، نوع سومی از ارتباط را هم شامل می شود که عبارت است از ارتباط رسمی و درک بهتر از مأموریت ها و اهداف. این ارتباط نیز به برنامه ریزی مشترک نیازمند است. نوع آخر ارتباط برای همکاری عبارت است از ارتباط دو جانبه تعریف شده ای که برای هر دو طرف دارای منفی می باشد. در این ارتباط دو یا چند سازمان وارد می شوند که برای رسیدن به هدف مشترک تلاش می کنند. هر سازمانی مسئولیت جداگانه ای دارد که برای رسیدن به آن هدف لازم است. در هر جامعه ای مشاغل، سازمانهای خدمات اجتماعی، سازمانهای دینی و سازمانهای مدنی وجود دارند که می توانند منابع ارزشمندی برای ایجاد ارتباط با جامعه باشند. پلیس محله محور تشخیص می دهد که وقتی ارائه دهندگان خدمات در ارتباط نزدیک با جامعه ی محله فعالیت می کنند، نسبت به دلایل بروز و دامنه مشکلات اجتماعی درک بهتری خواهند داشت و در نتیجه می توانند راه های بهتری برای ارائه خدمات پیدا کنند. به علاوه، ارائه دهندگان خدمات به محله از طریق همکاری نزدیک می توانند هر گونه شکاف یا کمبودی را در خدمات انسانی تشخیص داده و متناسب آن خدمات مورد نیاز را ارائه دهند. پلیس محله محور از طریق مشارکت با جامعه در حل مسئله سعی دارد از خرابی و اغتشاش در جامعه که باعث مشکل دیگری به نام جرم و جنایت و یا ترس از جنایت می گردد، جلوگیری نماید. با افزایش ایمنی عمومی، مردم اعتماد بیشتری پیدا می کنند تا در جامعه حضور داشته و با دیگران تعامل داشته باشند. این اولین قدم در ایجاد ارتباط و احساس اجتماعی بودن در محله است. تجربه نشان داده است برقراری امنیت بدون تعامل پلیس و مردم امکان پذیر نیست و به هر میزان این مشارکت قوی تر و حساب شده تر صورت گیرد نظم و امنیت نیز آسان تر فراهم می شود. از طرف دیگر، مشارکت و تعامل به نحو مطلوب صورت نمی گیرد مگر این که محله به پلیس اعتماد کامل داشته باشد و این اعتماد فراهم نمی شود مگر این که پلیس با نهایت تلاش و دلسوزی و حسن برخورد و پناه و ملجأ بودن خود برای افراد مظلوم و نیازمند خدمت و با قاطیعت و اقتدار در برخورد با تبهکاران و جانیان و بر هم



زندگانهان نظم و امنيت عمومي و استمرار در اجراء حق و عدالت، صلاحيت خود را براي ايفاء اين نقش مهم به اثبات برساند. پيچيدگي، گستردگي و اهميت مأموريت نيروي انتظامي اين سازمان را از ديگر سازمانها و ارگانهاي دولتي متمايز کرده است و جا دارد هم حکومت و هم جامعه توجه ويژه و خاصي نسبت به آن داشته باشند و خود پليس نيز براي اينکه بتواند هم پشتيباني مطلوب حاکميت و هم تعامل و همکاري ويژه مردم را با خود داشته باشد، بايد مأموريت خود را به نحو مطلوب به انجام برساند و براي اين کار چاره اي جز تربيت و پرورش نيروي انساني متعهد و متخصص و کارآمد ندارد.

### بخش دوم: ضرورت رويکرد محله محوري پليس در سطح محل

ضرورت رويکرد محله محوري پليس در سطح محله را مي بايست در لزوم مشارکت عمومي جهت استراتژي مهار و کنترل جرم و يا همان سياست جنائي مشارکتي جستجو نمود. سياست جنائي به لزوم اتخاذ تدابير و راهکارهاي مناسب در جهت کنترل پديده مجرمانه تأکيد دارد. واژه سياست و تدبير اشاره به عقلانيت داشته و بدین ترتيب، محور پاسخ دهی به جرم را از احساس دور ساخته و بر محور منطق و عقلانيت قرار مي دهد و بدین سان، پاسخ دهی احساسی به جرم نفي مي شود. هدف اصلي سياست جنائي، مهار و کنترل پديدههاي جنائي در جوامع بشري است و براي رسيدن به آن، بر چند نکته تأکيد مي شود:

نخست آن که، تدابير کنترل جرم محدود به تدابير صرفاً کيفري و سرکوب گر نبوده، بلکه بخش وسيعی از تدابير اصلاحي، درماني و حمايتی را شامل مي شود.

دوم آن که، پاسخ دهی به پديده مجرمانه محدود به وضعيت پس از وقوع جرم نبوده، بلکه وضعيت پيش از وقوع جرم را نيز شامل مي شود. بدین سان، سياست جنائي بر اتخاذ تدابير و راهکارهاي پيشگيرانه تأکيد بسيار دارد.

سوم آن که، پاسخهاي داده شده به پديده جنائي، اعم از تدابير ناظر به وضعيت پيش از وقوع جرم و پاسخهاي ناظر به وضعيت پس از وقوع جرم صرفاً دولتي نبوده و کليه ارکان و بدنه جامعه به اين پديده پاسخهاي مناسب و عقلاني مي دهند. پاسخ دهی بدنه و پيکره جامعه به



پدیده مجرمانه به منظور مهار و کنترل آن، از جمله مهمترین بخش‌های سیاست جنایی، یعنی سیاست جنایی مشارکتی را تشکیل می‌دهد. (میلر و کارن، ۱۳۸۰، ص ۴۵)

مشارکت افراد محله در پاسخ دهی به پدیده مجرمانه می‌تواند در هر دو مرحله پیش و پس از وقوع جرم باشد. مرحله پیش از وقوع جرم ناظر به پیشگیری از جرم بوده که جایگاه خاصی در استراتژی کنترل جرم دارد، چرا که اساساً پیشگیری از جرم مؤثرتر و کم هزینه‌تر از مبارزه و سرکوب آن است. به عبارت دیگر، در سیاست جنایی نیز همچون علوم پزشکی بر این امر تأکید می‌شود که پیشگیری مقدم بر درمان است. تدابیر و راه‌کارهای پیشگیرانه انتظامی، به نوبه خود، جایگاه ویژه‌ای در امر پیشگیری و کنترل جرم دارند. از یک سو، پلیس در تلاش است که با اجرای تدابیر و راه‌کارهای خاص، فرصت ارتکاب جرم را به حداقل برساند، و از سوی دیگر با ارائه آموزش‌های عمومی به آحاد مختلف جامعه و ارتقای سطح آگاهی آنها، پلیس در تلاش است تا افراد مختلف محله، به ویژه بزه‌دیدگان بالقوه، یعنی افرادی که در مقابل آماج جرم آسیب‌پذیرند را در مقابل پدیده مجرمانه مقاوم ساخته، به گونه‌ای که احتمال بزه‌دیدگی آنها کاهش یابد. مشارکت عمومی مردم پیش شرط ضروری موفقیت تدابیر پیشگیرانه انتظامی است، به ویژه در اجرای تدابیر خود کنترلی که هدف آن کاهش موارد بزه‌دیدگی از طریق مشارکت و همکاری افرادی است که احتمال بزه‌دیدگی دارند. (وروایی، ۱۳۹۴، ص ۱۲۲)

۱۵



### بند اول: تأثیر پلیس محل بر امنیت محله

شاید سخن گفتن از محله و محله‌ها، در عصری که به عصر ارتباطات و اطلاعات و نیز دهکده جهانی شهرت یافته و رسانه‌هایی مانند ماهواره و اینترنت، مرزهای جغرافیایی و تمامی قلمروها و حریم‌های خصوصی و عمومی را در نور دیده اند، به شوخی شباهت دارد. با این وصف، در این عصر که تنوع و قدرت رسانه‌ها از بارزترین مشخصه‌های آن می‌باشد، سخن از تأثیر رسانه‌ها بر امنیت ناشناخته و دشوار نیست. امروز هر کس به آسانی می‌تواند حضور خواسته یا ناخواسته رسانه‌ها را از خصوصی‌ترین حوزه‌های زندگی شخصی تا عمومی‌ترین مسائل محلی، شهری، ملی و بین‌المللی احساس کند. از همه اینها گذشته، رسانه‌ها می‌توانند به راحتی امنیت فردی و اجتماعی را نشانه بگیرند، با تلقین احساس ناامنی خاطرها را آشفته

سازند و سرانجام با تلاش برای تغییر بینش ها و جابه جا کردن ارزش ها، زیر ساخت های فرهنگی جوامع را لرزان و سپس متلاشی سازند.

رفتارهای (کارکردهای) مرتبط با امنیت را با تاکید بر رسانه می توان از دو دیدگاه سلبی (تضعیف کننده امنیت) و ایجابی (تقویت کننده امنیت) بررسی کرد. (زارع، ۱۳۸۷، ص ۳۲) و یا به دو گونه رفتارهای امنیتی و ضد امنیتی دسته بندی نمود. بر همین اساس، رفتارهای امنیتی مانند: نظارت، حمایت، اطلاع رسانی، تعدیل خواسته ها و مطالبات مردم، تصویر سازی مثبت، مصالحه، رشد فرهنگ عمومی، وحدت بخشی و کارکردهای ضد امنیتی مانند: بحران سازی، تصویر سازی منفی، تشویش افکار عمومی، بسط فرهنگ غیر استدلالی، استفاده ابزاری از مردم، تهیج مستمر افکار عمومی، تحریف ارزش ها و هنجارهای اجتماعی، بهره برداری حزبی از ارزش های ملی و مذهبی است.

سه اتهام در مورد رسانه ها به جهت ایجاد ناامنی و احساس ترس وجود دارد؛ نخست، عدم اجرای مسئولیت های رسانه ای، دوم زمینه چینی، کاشت و خلق اخبار، اطلاعات و گزارش های مصنوعی و سوم، ایجاد و تحمیل وحشت زدگی. به هر ترتیب، امنیت مفهومی ملازم و هم زمان با شکل گیری سکونت در محلی خاص است و رسانه ها به باور بسیاری از اندیشمندان، امروزه بسیاری از معادلات امنیتی جوامع را چه در سطح محلی دگرگون کرده اند. بر همین اساس، می توان مسیر دگرگونی های امنیتی در محله ها را با توجه به تاثیر قوی رسانه ها، پایش و هدایت کرد. (عبدالرحمانی، ۱۳۹۲، ص ۶۷)

### **بند دوم: پلیس محله محور و نقش آن در کاهش احساس ناامنی**

احساس ناامنی یکی از موضوعات بسیار مهم برای سازمان های پلیسی در طی سالیان متمادی بوده و ارتباط نزدیکی با برداشت افراد از جرم دارد. ناامنی یا ترس از جرم سازه ای پیچیده و چند بعدی است و هم چون سایر مفاهیم اجتماعی توافقی بین اندیشمندان این حوزه در خصوص فضای مفهومی این سازه وجود ندارد. یکی از اهداف راهبردهای پلیس محله محور کاهش احساس ناامنی از طریق تشخیص، مدیریت و نظارت بر مشکلات در اجتماع، تقویت تعامل و ارتباط تنگاتنگ با شهروندان و ساکنان به منظور تسهیل حمایت های متقابل و ایجاد





ظرفیت های دفاع از خود در اجتماع است؛ به عبارت دیگر از طریق فعالیت هایی چون کار کردن مستقیم با همسایگی یا غیر مستقیم از طریق کمک به شکل گیری توانایی نظارت اجتماعی غیر رسمی بین ساکنان انتظار می رود پلیس بتواند بر مشکلات اجتماعی کنترل و نظارت کند. پلیس محله محور بر خلاف سنتی نقش فعالانه ای (نه واکنشی و منفعلانه) در قبال شناسایی ریشه های نا امنی و ترس از جرم در اجتماع بر عهده دارد به این ترتیب که همواره در پی جستجوی و ارائه ی راه حل های محلی برای کاهش اضطراب و ترس ساکنان از فعالیت های مجرمانه است. با وجود اینکه اهداف مقاصد متعددی را می توان بر پلیس محله محور در نظر گرفت مثل کاهش سطح بی نظمی، کاهش جرم و بهبود کیفیت زندگی، با این حال برخی معتقدند که فلسفه اصلی پلیس محله محور کاهش ترس از جرم و نا امنی است. کاهش ترس و نا امنی هدف قاطع و صریح پلیس محله محور است.

بدین ترتیب همکاری و تعامل پلیس با شهروندان موجب حضور بیشتر پلیس در بین مردم می شود و از این طریق نوعی احساس امنیت و فراغ خاطر به شهروندان بوجود می آید و از آنجایی که پلیس به طور فعال با مردم همکاری و تشریح مساعی می کند، موجب افزایش رضایتمندی شهروندان می شود و هر چه رضایتمندی شهروندان از پلیس بیشتر باشد ترس شهروندان از جرم کاهش می یابد.

هنگامی که پلیس با شهروندان از طریق گروه های محلی همسایگی، فعالیت های نوجوانان، مدارس و غیره تعامل می کند این همکاری و مشارکت، پیوندهای واقعی بین پلیس و شهروندان را تقویت و تحکیم کرده، بنابراین ترس از جرم شهروندان را تقلیل می دهد و در نتیجه استفاده پلیس از راهبردهای خلاقانه تحت برنامه پلیس محله محور با هدف کاهش جرم و بی نظمی، موجبات مشکلات و احیای مجدد رفتارهای مناسب در همسایگی را فراهم آورده و بالطبع بر کاهش ترس از جرم می گذارد. (همان، صص ۱۰۴-۱۰۳)

### **بند سوم: نقش پلیس در پیشگیری از وقوع جرم**

امنیت را می توان یکی از نعمت های الهی تلقی کرد که در سایه آن انسان ها به آرامش و آسایش دست می یابند. در واقع پیشگیری از وقوع جرائم و جلوگیری از فرو افتادن افراد در



ورطه جرم و گناه یکی از آرمان های جوامع بشری است، اما در اینجا به این که پلیس تا چه حد می تواند در پیشگیری از جرم و تامین امنیت جامعه موثر واقع شود اشاره می کنیم. اگر چه طبق قانون اساسی جمهوری اسلامی در بحث مربوط به مدیریت، متولی پیشگیری از جرم قوه قضائیه است، اما به دلیل آن که پلیس در تعامل مستقیم با مردم است و به نوعی ابزار و وسایل بیشتری را در مقابله با جرم دارد، اصل پیشگیری از جرم را پلیس اجرا می کند. امروزه برخی از کشور ها مانند فرانسه و کانادا با وجود آمار بالای جرم و جنایت همچنان سعی می کنند پیشگیری و مبارزه با جرم را در اولویت کار پلیس قرار بدهند، زیرا پیشگیری به مراتب هزینه کمتری خواهد داشت. در کشور ما نیز پلیس به عنوان فعال ترین نیروی پیشگیری و مقابله با جرم شناخته می شود و تردیدی وجود ندارد که پلیس به عنوان نوک پیکان مقابله و مبارزه با جرم تلقی می شود، چرا که وقتی قانونی وضع می شود تا به مرحله اجرا برسد، عملاً قدرت اجرایی قانون را در عملکرد پلیس می بینیم. البته مسئله مهم نحوه برداشت افراد از حضور پلیس در جامعه است. معمولاً برداشت افراد جامعه از حضور پلیس در جامعه یک رویکرد توأم با امنیت و آرامش نیست که در درجه اول به سوء مدیریت عملکرد پلیس در گذشته ها مربوط می شود چرا که پلیس در یک بعد زمانی اقدام های خارج از عرف پذیرفته شده در جامعه انجام می داد و در گذشته ها نیز پلیس به عنوان نزدیک ترین نیروی تعامل با مردم در امور مداخله کرده که باعث شده بود شان پلیس پائین بیاید. همچنین در درجه دوم به بحث اصرار به این سوء مدیریت مربوط می شود که این مسئله نیز، باز مربوط به مداخله پلیس در امور است که جزو وظایف آن نیست. باید توجه داشته باشیم تردیدی وجود ندارد که پلیس نیروی خدمتگزار مردم است و این مسئله را پلیس در مقابله با اراذل و اوباش و برخورد با مجرمان خطرناک ثابت کرده است و منظور این است که برخورد و تعامل پلیس با مردم در واقع ملاک قضاوت مردم است. مردم باید به این باور برسند که پلیس در عین حال که وظایفش را انجام می دهد احترام به مردم را در راس کار خود قرار می دهد. ضمناً حضور مستمر و بیش از حد پلیس در جامعه و فضای اجتماعی ممکن است باعث شود مردم تصور کنند جامعه حتماً با مشکلات فراوان امنیتی دست به گریبان است که در پی آن احساس ناامنی خود به خود به



سراغ آنها خواهد آمد. بنابراین بهتر است پلیس برای نظارت و تامین امنیت شهری به صورت نامحسوس در اجتماع ظاهر شود و رفتارش با مردم دقیق و توأم با رفت با شد و در عین حال مراقبت و نظارت بر اجتماع را به صورت نامحسوس انجام بدهد. پلیس باید به جای کارهای جزئی به اقدام های پیشگیرانه زیربنایی توجه بیشتری داشته باشد، اگرچه نتایج پیشگیری در طول زمان مشخص می شود. بنابراین پلیس باید با برنامه ریزی بلند مدت آموزش را ملاک عمل خود بداند و طی برنامه ریزی کوتاه مدت اگر اقدام های پلیس توأم با حفظ حریم خصوصی و کرامت انسانی باشد در این صورت اعتماد مدام به پلیس زحمتکش بیشتر جلب خواهد شد که این روند می تواند جرائم را تا حد صفر برساند. (تدین، ۱۳۹۱، ص ۱)

### بخش سوم: نقش پلیس محله در پیشگیری از جرم

با توجه و دقت نظر در بخش اهم وظایف پلیس محله می توان دریافت که عمده ترین وظایف این نهاد در راستای پیشگیری وضعی از جرم می باشد. پیشگیری وضعی، رویکردی است که بدون توجه به شخصیت مجرم و یا تلاش برای اصلاح یا حذف تمایلات مجرمانه، صرفاً به دنبال کاهش فرصت های مجرمانه است. این نوع پیشگیری به دنبال کاهش فرصت ها و وسوسه های ارتکاب جرم با استفاده از شالوده یافته های جرم شناسان محیطی است. باید توجه داشت که مکان هایی وجود دارد که آماج های بالقوه جرم در آن، فرصت های مناسبی را برای ارتکاب جرم و بی نظمی های اجتماعی فراهم می آورد. (مقیم، ۱۳۸۹، ص ۲۸) از این رو تمرکز این موسسات بر محیط هایی است که احتمال وقوع جرم به خاطر وجود آماج مناسب بزه در آن ها زیاد است. تاکید این موسسات بر اماکنی است که خدمات، محصولات و یا موقعیت های محیطی در آن فرصت هایی را برای طیف وسیعی از جرایم فراهم می کند، نظیر بیمارستان ها، بانک ها و اماکنی از این دست. (نجفی ابرند آبادی، ۱۳۸۷، ص ۱۵۴) در تبیین علل وقوع جرم تا کنون نظریات مختلفی مطرح شده است، یکی از نظریاتی که در چند دهه اخیر در حوزه جرم شناسی ظهور پیدا کرده است، نظریه فرصت ارتکاب جرم می باشد. در اواخر دهه هفتاد، تحقیقاتی بر روی فرایند تصمیم سازی مجرمان، موقعیت ها و فعالیت های روز مره انجام شد که بیانگر اهمیت مکان در پیشگیری از جرم بود و بر نقشه های



ذهنی و فعالیت روزمره و تاثیر گذاری آن بر یکدیگر در نحوه وقوع جرم تاکید داشت. (برتاو، ۱۳۹۱، ص ۹۴)

تفکر حاکم بر این نظریه آن است که به صرف وجود بزهکار وقوع بزه را ایجاب نمی کند، بلکه باید فرصت و موقعیت مناسب برای ارتکاب جرم نیز فراهم باشد. این تفکر مدعی است که افزایش فرصت های ارتکاب جرم، احتمال وقوع جرایم را افزایش داده و بر عکس کاهش فرصت ها موجب تقلیل ارتکاب جرایم می شود. باید توجه داشت که در موارد وجود شرایط ابتدایی ارتکاب جرم یعنی وجود بزهکار مستعد ارتکاب جرم و آماج مناسب، فقدان محافظه کارآمد نیز به سهم خود در فرایند گذار از اندیشه به عمل در وجود بزهکار موثر است. تغییرات ساختاری در الگوی فعالیت روزمره، با همگرایی سه مولفه مجرم با انگیزه، هدف های مناسب و فقدان نگاهبان شایسته می تواند بر نرخ جرم تاثیر گذار باشد. پس نخست باید یک مجرم با انگیزه وجود داشته باشد، دوم، مجرم در پی دستیابی به اهداف مناسبی باشد، سوم فعالیت روزمره. همچنین باید توجه داشت که حضور نگاهبان شایسته مانع وقوع جرم می شود و در واقع مجرمان منطقی، فرصت های بزهکاری را در طول فعالیت روزانه انتخاب می کنند و تصمیم می گیرند که کجا مرتکب جرم شوند. (رایجیان اصلی، ۱۳۸۱، ص ۳۴) تجمع جرم در مکان و فضا دارای دلایل مختلفی است. یک مکان یا منطقه خاص دارای هدف های مناسب برای مجرمان بالقوه است و یک سری مکان ها می توانند به طور ذاتی تولید کننده یا جذب کننده انواع خاصی از جرایم باشند. (صفاری، ۱۳۸۰، ۱۴۷) در نظریه فعالیت روزمره، مکان نقش مهمی دارد و جایی است که مجرمان با انگیزه، با هدف های مطلوب در نبود یک عامل بازدارنده، مرتکب جرم می شوند. (برتاو، ۱۳۸۹، ص ۳۶) فلذا از اهداف اساسی در شکل گیری پلیس محله ایجاد محافظ کارآمد در راستای پیشگیری از ارتکاب جرم در اماکن پر خطر است. (محمد نسل، ۱۳۸۶، ص ۳۲۱)

چنانچه روشن شد اقدام پلیس دولتی در تشکیل پلیس خصوصی (پلیس محله) در راستای جلب مشارکت مردمی در پیشگیری وضعی از وقوع جرم، با استفاده از نظریاتی که برای تشریح وقوع جرایم ترسیم شده است، می باشد. بر اساس این نظریه، وقوع جرم مستلزم تقارن و



همگرایی زمانی و مکانی بین سه عامل می باشد. پس مکان هایی که در آن جرم رخ می دهد به طور کامل تصادفی نیستند؛ بلکه تا اندازه زیادی دارای ساختارهای فضایی قابل توجه می باشند. باید اذعان داشت که یک تدبیر پیشگیری وضعی نمی تواند در تمام جرایم کاربرد داشته باشد. در برخی از مکان ها و زمان ها نیاز به اتخاذ تدابیر نظارت رسمی انسانی است.

### **بند اول: تحلیل جرم شناختی اقدامات پلیس محله در پیشگیری از جرم**

پلیس محله به نوعی متولی انجام اقدامات پیشگیری وضعی در محیط های مناسب جهت ارتکاب جرم می باشد. پلیس خصوصی تحت نظارت مرکز انتظام در تعامل با کلانتری ها در راستای پیشگیری از جرم تلاش خواهد کرد. از جمله موارد همکاری عبارتند از:

- اعلام نقاط تحت پوشش در محله ها و اماکن به کلانتری محل
- اعلام سریع اخبار و اطلاعات مربوط به وضعیت انتظامی و تردهای مشکوک به کلانتری حوزه انتظامی

- شناسایی و معرفی مظنونین به کلانتری محل با ارایه گزارش کتبی.

به کارگیری پلیس محله دارای مزایای غیر قابل انکاری است. پلیس عمومی برای جلب مشارکت مردمی در پیشگیری از جرم، بخشی از وظایف خود را به نهاد خصوصی واچد صلاحیت تفویض می کند. نقش آفرینی مثبت پلیس محله در پیشگیری وضعی در جهت سخت تر کردن، پرخطر کردن و افزایش هزینه ارتکاب جرم غیر قابل انکار است. اماکن دارای فضای کارآمد جاذبه کمتری برای ارتکاب جرم دارند. بزهکار مستعد برای ارتکاب جرم در صورت وجود آماج مناسب، تصمیم بر عملی کردن اراده خود خواهد گرفت و در این موارد حضور پلیس محله، ارتکاب جرم را برای آنها سخت تر و احتمال دستگیری را بیشتر می کند. نظارت پلیس خصوصی بر محیط و کنترل راه های جرم زا، هر چند به صورت موقت مانع ارتکاب جرم خواهد شد، اما نقش پلیس محله با توجه به شرح وظایف ایشان در راستای پیشگیری وضعی، در مواردی چالش برانگیز است که در ذیل به آن خواهیم پرداخت:

الف) جا به جایی جرم: اگر چه وجود محافظ، ارتکاب جرم را برای مجرم سخت خواهد کرد، اما باید توجه داشت که دسته ای از بزهکاران، حسابگران جزایی هستند و سعی در رفع



موانع برای کسب منفعت دارند. پس بدیهی است که با از بین رفتن یک فرصت، انگیزه مجرمانه و یا عوامل موثر دیگر در ارتکاب جرم از میان نمی رود. فلذا این بزهکاران تلاش در راستای عملی کردن تصمیم خود در شرایط، زمان یا مکان مناسب دارند. البته لازم به ذکر است که این ایراد، به صورت خاص متوجه نقش پلیس محله نیست. بلکه همواره یکی از ایرادهای اساسی مطرح شده به روند پیشگیری وضعی بوده است و اقدامات پلیس محله در راستای پیشگیری وضعی از جرم مستثنی از این ایراد نمی باشد. (ابراهیمی، ۱۳۹۰، ص ۱۳۶)

ب) برخی از وظایف پلیس محله: یکی از انتقادهایی که همواره به پیشگیری وارد می شود، نقش پیشگیری در محدود کردن آزادی های فیزیکی افراد است. مبنای آزادی تمامیت جسمانی، اصل عدم قابلیت تعرض به جسم انسانی است. اما به نظر می رسد پیش بینی برخی وظایف برای پلیس محله، بدون تعیین معیار و مبنای مشخص آزادی رفت و آمد افراد و به تبع آن اصل برائت را نقض می کند. (ابراهیمی، ۱۳۸۷، ص ۲۵۷)

مورد دیگر در شرح وظایف پلیس محله جلوگیری از تعرضات افراد شرور است. سوالی که در این زمینه به ذهن می رسد این است که ملاک در تشخیص شرارت چیست؟ آیا به صرف اینکه پلیس شخصی را با توجه به ویژگی های ظاهری، شرور فرض کند کافی است؟ معیار در این موضوع شخصی است یا نوعی؟ سوال دیگر این است که در صورت معرفی ایشان به کلانتری میزان اعتبار گزارش پلیس محله تا چه حد است؟ آیا گزارش ایشان تحت عنوان گزارش ضابطین دادگستری مورد قبول قرار می گیرد؟ در مورد مفهوم شرارت تعریف مشخصی وجود ندارد؛ اما صرف نظر از اراده تعریفی دقیق از شرارت باید توجه داشت؟ که استفاده از عباراتی این چنین کلی و تفویض اختیار بدون تعیین دقیق مرزها و محورهای فعالیت در موارد بسیاری زمینه را برای سوء استفاده و نقض اصل برائت و حریم خصوصی اشخاص، فراهم می آورد. مساله بعد در رابطه با پلیس محله این است که اگر چه قانون حق حمل سلاح گرم را از ایشان سلب کرده است، اما ابزارهای دفاع شخصی از جمله باتوم، اسپری فلفل، دستبند، شوکر، فانسفه در اختیار ایشان قرار گرفته است. سوالی که مطرح می شود این است که مجوز استفاده از این ابزارها چیست؟ آیا نگهبانان محله صرفاً برای دفاع شخصی حق



استفاده از ابزارهای مذکور را دارند یا در موارد تحت نظر قرار دادن افراد ناشناس، معرفی افراد مظنون به کلاتری یا جلوگیری از تعرض افراد شرور، (به عنوان مثال جلوگیری از وقوع نزاع و درگیری در حوزه فعالیت خود) نیز می توانند از ابزارهای مذکور استفاده کنند؟ دامنه و نحوه استفاده از وسایل دفاع شخصی در قانون مذکور مشخص نشده است و باید توجه داشت که در این حالت فرد قادر به تشخیص موارد سوء استفاده پلیس محله در نحوه استفاده از وسایل دفاع شخصی علیه خود نمی باشد فلذا حق اعتراض نیز منتفی است. مساله و ابهام مهم تر در رابطه با پلیس محله موضوع پیش بینی دوره های آموزشی قبل از شروع به کار می باشد. در مورد کیفیت و نحوه دوره آموزشی در قانون توضیحی داده نشده است. سوالی که مطرح می شود این است که آیا در این حوزه به جز روش های دفاع شخصی، آموزش خاص دیگری نیز در رابطه با نحوه برخورد با مظنونین یا متهمین و یا جلوگیری از نقض حریم خصوصی اشخاص و ... پیش بینی شده است؟ آیا پلیس محله نحوه برخورد صحیح با متهمین نوجوان را می دانند؟ آیا پلیس محله ارزش حریم خصوصی اشخاص و ضرورت احترام به آن و جلوگیری از نقض آن را مگر به تجویز قانون آموزش می بینند؟

مورد بعد نحوه نظارت بر عملکرد پلیس محله است. فعالیت موسسات خدمات حفاظتی - مراقبتی زیر نظر موسسه انتظام می باشد. در نحوه تعامل پلیس محله با کلاتری های محل مقرر شده است که نیروی انتظامی از طریق گشت زنی و سرکشی بر محیط های مذکور با عملکرد پلیس محله نظارت خواهد کرد، اما پرسش اساسی این است که آیا به صرف سرکشی می توان نظارت لازم را بر نحوه عملکرد پلیس محله داشت؟ چه میزان از تخلفات در گشت زنی ها کشف می شود؟

باید توجه داشت که واگذاری حق پلیس عمومی به بخش خصوصی در راستای جلب مشارکت مردمی طرحی بسیار حساس است و باید مراقب بود تا زمینه برای سوء استفاده یا نقض حریم خصوصی افراد فراهم نشود. این نحوه ی واگذاری اختیارات به صورت کلی و بدون تحدید مرزهای آن شاید در مواردی بیشتر از آن که زمینه پیشگیری را فراهم کند، جرم زا باشد. (علیزاده، قلعه کار، ۱۳۹۳، صص ۶۰-۵۹)



## نتیجه گیری

همزمان با توسعه فزاینده جمعیت در سطح کشور، لازم است در جهت ارتقای سطح امنیتی و حفاظتی جامعه با بهره گیری از شیوه ها و تجهیزات نوین چاره اندیشی کرد. در این راستا و با تبیین برنامه سوم توسعه اقتصادی کشور در قالب اصل ۴۴ قانون اساسی مبنی بر واگذاری بخشی از وظایف نیروی انتظامی به بخش خصوصی واجد صلاحیت و مجرب، نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران به منظور برقراری امنیت، کاهش آمار جرایم، جلب مشارکت مردمی در گسترش امنیت عمومی و هم چنین به منظور سامان دهی و شناسایی شبگردان، سرایداران و افرادی که نقش پلیس را با مراقبت از اموال و اماکن انجام داده، لیکن توسط مردم به کار گیری شده اند، اقدام به اجرای طرح استخدام پلیس محله توسط موسسات خدمات حفاظتی - مراقبتی زیر نظر موسسه انتظام کرد.

پلیس محله به فردی اطلاق می شود که برابر با مقررات و ضوابط تعیین شده پذیرش و پس از طی دوره های آموزشی، بر اساس قراردادی با شرکت خدماتی - حفاظتی - مراقبتی منعقد می شود از اماکن و اموال کار فرما در زمان معین و در مکان مشخص مراقبت و در قبال آن برابر قانون کار حق الزحمه دریافت می کند و از کلیه حقوق کارگری برخوردار می باشد.

در تبیین علل وقوع جرم تا کنون به نظریات مختلفی اشاره شده است، یکی از نظریاتی که در چند دهه اخیر در جرم شناسی ظهور پیدا کرده است، نظریه فرصت ارتکاب جرم می باشد. تفکر حاکم بر این نظریه آن است که به صرف وجود بزهدار بزه واقع نمی شود، بلکه باید فرصت و موقعیت مناسب برای ارتکاب جرم نیز فراهم باشد. باید توجه داشت که در موارد وجود شرایط ابتدایی ارتکاب جرم یعنی وجود بزهدار معد ارتکاب جرم و آماج مناسب؛ فقدان محافظ کارآمد نیز به سهم خود در فرایند گذار اندیشه به عمل در وجود بزهدار موثر است بنابراین بین پلیس محله و همکاری مردم محل رابطه ی مستقیمی وجود دارد و افراد محل، پلیس را ضامن سلامتی و امنیت محله می دانند.

بدین ترتیب در اجرای طرح استخدام پلیس محله، هدف بکار گیری محافظ کارآمد در راستای پیشگیری وضعی از جرم بوده است. نقش پلیس محله در پیشگیری از ارتکاب جرم غیر





قابل انکار است. در واگذاری بخشی از اختیارات پلیس عمومی به بخش خصوصی، مواردی وجود دارد که به نظر می رسد موجب نقض حریم خصوصی اشخاص خواهد شد و در تعارض با اصل برائت می باشد. در شرح و ظایف پلیس محله مواردی چون معرفی افراد مظنون به کلاتری محل و یا تحت نظر قرارداد افراد ناشناس، بدون تعیین معیار نوعی یا شخصی و یا جلوگیری از تعرضات افراد شرور پیش بینی شده است که واگذاری اختیاراتی تا این حد کلی و بی حد و مرز، بی شک زمینه را برای نقض حریم خصوصی اشخاص و سوء استفاده از اختیارات فراهم می کند.

صرف واگذاری اختیارات به صورت کلی و استفاده از عبارات مبهم در تفویض اختیار، کافی جهت اجرایی کردن اصول قانون اساسی و یا جلب مشارکت مردم در پیشگیری نمی باشد؛ فلذا لازم است محدوده اختیارات پلیس محله مشخص تر و روشن تر شود، تا اشخاص عادی نیز موارد حق اعتراض خود را به نحوه عملکرد پلیس محله بشناسند. همچنین انتظار می رود نظارت بر نحوه عملکرد پلیس محله به صورت دقیق تری پیش بینی شود. نهایتاً از آنجا که انتخاب و اجرای هر نوع راهکار پیشگیرانه وضعی، با تحلیل دقیق و شناخت ماهیت معضل انجام می شود، پیشنهاد می شود که:

- اقدام اساسی در شناسایی نقاط، اماکن، مسیرها و محل های بحرانی انجام شود. یکی از بهترین طرق ممکن برای اجرایی کردن این راهبردهای کلان عبارت است از طراحی نظام جامع اطلاعات پیشگیری. در واقع باید نظامی را طراحی کرد که حاوی اطلاعات بومی از منابع گوناگون مرتبط با جرایم مختلف باشد. در این نظام باید از کلیه اطلاعات جرم موجود در سازمان ها، نهادهای دولتی و غیر دولتی و به ویژه شهروندان استفاده کرد.

- با توجه به ظرفیت و پتانسیل بالای مشارکت مردمی لازم است که پلیس در حوزه ی پلیس محله با برنامه ریزی صحیح اهتمام بیشتری ورزد و هر آنچه که میزان مشارکت مردم با پلیس در امر پیشگیری و تامین امنیت محله ها بیشتر شود، به همان میزان احساس مسئولیت شهروندان نیز ارتقا می یابد و لازم است که این مشارکت به درون خانواده برده شود، به طوری که خانواده ها و آموزش و پرورش با این گونه ارتباطات و مشارکت در تامین نظم و امنیت جامعه



در جلوگیری از انحراف احتمالی جوانان و اخلال در نظم و امنیت، هنجاری نهادینه در آنها تولید نمایند.

- رسانه ها می توانند از طریق القای دیدگاه سلبی با القای مظاهر بی امنی و ناامنی در جامعه و نیز برنامه سازی و اطلاع رسانی و بهره گیری از قالب های مختلف برنامه سازی (فیلم های خانوادگی، سریال، سینمایی، انیمیشن، مستند و...) عواقب و پیامدهای ناگوار مظاهر ناامنی خانواده ها و تک تک افراد را مورد بررسی قرار دهند.

- پیشنهاد می شود رسانه ها با عنوان ابزار آموزشی قدرتمند برای پیشگیری از وقوع جرم با پلیس همکاری کنند و در قالب اطلاع رسانی فعالیت نیروی انتظامی را به شکل ظریف و هنرمندانه ای پوشش دهند و همیاری مردم را گسترش بخشند.



## منابع و ماخذ

۱. ابراهیمی، شهرام، پیشگیری از جرم در چالش با موازین حقوق بشر، رساله دکتری، دانشگاه تهران ۱۳۹۳
۲. ابراهیمی، شهرام، جرم شناسی پیشگیری، نشر میزان، جلد اول، چاپ دوم، تهران ۱۳۹۲
۳. برتاو، عیسی، کارایی فعالیت های پلیسی مکان محور در پیشگیری از جرم، فصلنامه مطالعات پیشگیری، شماره ۲۴، تهران ۱۳۹۲
۴. برتاو، عیسی، تحلیل فضایی- زمانی برای سرقت در شهر زاهدان، پایان نامه کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه ریزی شهری، دانشکده جغرافیا و برنامه ریزی محیطی، دانشگاه سیستان و بلوچستان ۱۳۹۲
۵. ترویانوویچ، رابرت، باکوروکس، بان، پلیس جامعه محور، ترجمه مرکز مطالعات و تحقیقات کاربردی طرح و برنامه ناجا، تهران ۱۳۹۲
۶. رایجیان اصلی، مهرداد، رهیافت هایی نو به بنیان های پیشگیری وضعی از جرم، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۴۷، تهران ۱۳۸۹
۷. زارع، فرزانه، جست و جوی امنیت در رسانه ها: رسانه ها و ثبات سیاسی- اجتماعی جمهوری اسلامی، انتشارات کتاب ماه، تهران ۱۳۸۹
۸. صفاری، علی، مبانی نظری پیشگیری از جرم، مجله تحقیقات حقوقی پیشگیری از جرم، شماره ۳۳، تهران ۱۳۸۷
۹. عبدالرحمانی، رضا، نقش رسانه ها در امنیت محله ای (پیشنهادی برای افزایش امنیت از طریق رسانه های محلی به کمک ناجا)، فصلنامه علمی- تخصصی دانش انتظامی پلیس پایتخت، سال ششم، شماره ۴، پیاپی ۱۹، تهران ۱۳۹۲
۱۰. علیزاده، فاطمه، قلعه کار، الهه، تحلیل نقش نگهبانان محله در پیشگیری از جرم، مجله کارآگاه، دوره دوم، سال هفتم، شماره ۲۸، تهران ۱۳۹۳
۱۱. قهرمانی، علی اکبر، ابطحی، حسن، طراحی الگوی مدیریت پلیس جامعه محور در جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه مطالعات مدیریت انتظامی، سال پنجم، شماره ۱، تهران ۱۳۹۲



۱۲. مقیمی، مهدی، رفعتی اصل، عزیز، پلیس و راهبردهای پیشگیری از جرم، انتظام اجتماعی، شماره ۱، تهران ۱۳۹۰
۱۳. میس، ادوین، اورتمایر، پی جی، رهبری و اصول اخلاقی و امور پلیس، ترجمه حسنی شاکری، سازمان تحقیقات و مطالعات ناجا، تهران ۱۳۸۹
۱۴. میلر، لیندا، کارن، هس، کار پلیسی با مشرکت جامعه، ترجمه رضا کلهر، فصلنامه دانش انتظامی، شماره ۸، تهران ۱۳۹۲
۱۵. محمد نسل، غلامرضا، اصول و مبانی نظریه فرصت جرم، فصل نامه حقوق، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، شماره ۳، تهران ۱۳۸۹
۱۶. نجفی ابرندآبادی، علی حسین، خلاصه مباحث جرم شناسی، تدوین مجتبی جعفری، تهران ۱۳۹۰
۱۷. وروایی، اکبر، سیاست جنایی تقنینی در پیشگیری انتظامی از جرائم و تخلفات رانندگی، فصلنامه مطالعات مدیریت ترافیک، شماره ۳۸، تهران ۱۳۹۴

